رویت قبل از زوال نصف النهار مبدأ و نحوه شروع ماه در بلاد شرقی

(00:10)

جلسه قبل عرض کردم که یکی از اعزّه از مشهد فرموده اند که ایزده سال است که درمورد رؤیت هلال تحقیق کرده‌ام، لطف کردند نکاتی را برای این مباحثه ارسال کرده اند. ما هم محضرشان استفاده می کنیم.

شاگرد: در جلسه قبل فرمودید وقتی دحو الارض را مبدأ قرار میدهیم، چشممان را از آفاق محلی میبندیم. در بحث طولیت هم فرمودید تا جایی که ممکن است با همین نصف النهار تکلیف بلاد را روشن میکنیم. طولیت برای جایی است که این نصف النهار نتیجه ندهد. شاید خیلی از جاها نتیجه بدهد. اگر هلال قبل از [زوال] دحو الارض دیده بشود ولی در مثل پاکستان که دو-سه ساعت اختلاف است، دو بعد از ظهرشان باشد، حالا در این فرض که از آفاق محلی چشم پوشیدیم امروز روز اول پاکستان است یا روز دوم آنها است؟ مثلاً ساعت دو بعد از ظهر است ولی مکه هنوز قبل از ظهر است. این را چکار کنیم؟

استاد: آقا هم در ارسال هایی که دارند همین را فرموده‌اند. در انجمن هم ارسال کرده‌اند. ما فرمایش ایشان را در فدکیه هم گذاشتیم. عنوان صفحه: «نکات ارسال شده در مورد بحث رؤیت هلال توسط نام کاربری هلال» است. همین مطالبی که شما فرمودید را با یک بسطی توضیح میدهند. همین پاکستان را هم که شما فرمودید در شهرهای جلوترش را هم فرموده‌اند. هم برای ایام هفته، برای شب جمعه، برای ماه مبارک. به نیوزلند مثال میزنند. اگر پاکستان یک ساعت فرق دارد، نیوزیلند شرقی ترین نقطه است که خلاف ارتکازی متشرعه در آن خیلی واضح است. تا اینکه ختم می کنند به اینکه‌میفرمایند: «ضمنا نکات فوق با فرض پذیرش مسائل قبلی است»؛ میفرمایند اینها خلاف ارتکازات متشرعه است. یعنی بگوییم ماه را نگیر و همراه با نصف النهار دحوالارض باش. این خیلی خلاف ارتکاز متدینین میشود. در اینجا هم که آقا فرمودند رؤیت قبل از زوال مکه است. امروز «ذلک الیوم من شوال» است. خب برای آنها که دو بعد از ظهرشان است، چه کار کنیم؟ میگوییم آنها به محل خودشان عمل کنند. دو بعد از ظهر گذشته است، لذا برای فردا میگذارند. این ساده‌ترین راهی است که گفته میشود. یک راه دیگر این است که اگر قرار شد این جور باشد، میگوییم هر کسی نگاه کند روز یکشنبه اش که قبل از زوال دحو الارض اهلال هلال میشود، اول ماه مبارک میشود.

شاگرد: ولو ساعت پنج بعد از ظهرش است؟

استاد: بله، به این خاطر که تا بتوانیم باید سامانده‌ی کنیم. علی ای حال لحظاتی که برای شروع دور شخصی ماه صورت گرفته، کل کره را سامان میدهد. اگر شما زوال مکه را معیار قرار دادید،

آن هایی هم که بعداز ظهرشان است و در شده، آنها هم وقتی قبل از زوال آنها بود، باز شخص حرکت جدید هلال شروع شده بود. یعنی این جور نیست که بگویی هنوز ماه نشده و آنها میخواهند بگیرند ای بعد از ظهر شده ، نه برای آنها هم قبل از ظهر [بوده]، الآن قبل از زوال مکه است و در ساعت یازده رؤیت هلال شده، در پاکستان هم همین ساعت یازده را داشتند، در ساعت یازده آنها شخص دور جدید که راسم ِشهر جدید است، آغاز شده بود ای نشده بود؟ اهلال هلال زوال دحو الارض، قبل[d1] از زوال آنها است. یعنی آنها هم قبل از زوالشان شخص حرکت جدید و هلال را داشته اند.

شاگرد: بالأخره زوال کجا را معیار قرار دادید؟

استاد: در این فرمایش ایشان زوال دحو الارض میزان میشود تا امروز [اوّل شوال] باشد.

شاگرد: ولو نیم ساعت به غروب من است؟

شاگرد۲: سؤال این است که بالأخره ساعت دو بعد از ظهر پاکستان ماه شروع شده ای نه؟ یعنی بگویی امروز روز اول ماه مبارکه بوده ولی دیگر به بعد از ظهرش خوردهام ای اینکه بعد از ماه مبارک قضائش کنم ای بگویی از فردا؟

استاد: عرض کردم دو فرض داریم. میگوییم الآن قبل از زوال دحو الارض –بهعنوان شاخص- امروز همه جا روز اول ماه است. این یک فرض است. ولذا وقتی در پاکستان مطلع شدند، بر آنها واجب است که از طلوع فجر روزه بگیرند.

شاگرد۲: طلوع فجر امروز که گذشته است؛ ساعت دو بعد از ظهرشان است.

شاگرد: این فرض خلاف ارتکاز است.

استاد: بله، آقا هم مفصّل توضیح دادهاند.

شاگرد: میشود ترکیبی از اینها باشد.

استاد: خب این اولین فرض بود.

شاگرد۲: تلقی من از فرمایش حضرت عالی در بحث طولیت این بود که اموری تکوینی مثل لیلة القدر را سامان میدهد، چیزهایی مثل روزه که بند بهروز و شب است، دیگر از ابتدا طولیت دارند. نه اینکه بگویی بعضیها هنوز روز اولشان نشده ای شده.

استاد: بله، در فرض دوم میخواستم همین را بگویم. اول این است که بگویی هر کجا روز است ولذا اگر کسی ساعت چهار بعد از ظهرش است –مثل مسلمانانی که در چین هستند- ولی قبل از زوال مکه اهلال هلال شد، اینها روز اول ماه مبارکشان هست؛ از صبح تا حالا گرفته، سوم الشک گرفته، سی ام شعبان گرفته، یحسب له اول الشهر. اگر نگرفته قضا میکنند.

شاگرد: اگر امساک هم کرده باشد چه بسا بگویی بقیه اش را نیت بکن.

استاد: بله. این فرض اول بود. دوم، روی همین مبنای دحو الارض است؛ می گوییم انشائات طولی است؛ وقتی قبل از زوال دحو الارض امروز را میگوییم، یعنی برای کسانی که هنوز زوالشان نشده است. و الاّ کسی که زوالش گذشته او دیگر برای فردا طولیاً روزه میگیرد. این هم دوم است. حالا بین این دو گزینه حتماً یکی درست است و دیگری باطل است؟ آن فرض اول را میگویید خلاف ارتکاز است، دومی که دیگر خلاف ارتکاز نیست.

شاگرد۲: در انشائات طولیه ثبوتا این احتمال میرود که اول سرا غ زوال دحو الارض نرویم، زوال هر منطقهای معیار باشد مگر در مواردیکه ارتکاز پس بزند؛ آن وقت سرا غ زوال دحوالارض برویم.

استاد: این هم یک جور است که ایشان هم فرمودهاند. حال میخوانم؛ چند شواهدی علیه نصف النهار شاخص فرمودهاند که میخوانم.

شاگرد: بنابراین استعمال لفظ در اکثر از یک معنا در روایت عبدی میشود که هر دو را دارد می گوید. یعنی اینکه شما در محلی هم قبل از زوال را تأیدی کردید. لذا هم قبل از زوال دحو الارض را میگوید و هم قبل از زوال محلی را.

استاد: بله، یعنی هم ال در «الزوال» عهد است برای نصف ارض تکوینی که روایات داشت. یکی هم زوال استیعابی است که برای کل بالد. یکی هم بخش دومش است؛ روایات طولی بر آن وارد و حاکم استکه چون خلاف ارتکاز است که امروز را در بلد [عدن] بگیرند؛ شما اگر در بلد خودتان بعد از ظهر است دیگر به «الزوال» کاری ندا شته باش، شما سرا غ فردا بروم.

شاگرد۲: فرمایش شما با فرمایش حاج آقای سیستانی یک وجه اشتراک پیدا میکند. بالأخره همه جا یک رمضان شخصی نشد. یک وجه افتراق خوبی هم دارد که ایشان از اول از تکوین فاصله گرفته بودند. هر منطقهای برای خودش میگیرد. اما اگر از این طرف برویم از اول سرا غ تکوین میرویم و میگوییم همه منا طقی که شب هستند فردا اول ماه رمضانشان است. اگر در جاهایی به مشکل برخورد کردیم آن وقت سرا غ انشائات طولی میرویم.

استاد: ایشان اشکالاتی دارند که حال میخوانیم.

[d1]?? ??? ?????? ?????? ??? ??? ???? " ???" ???? ????

بازبینی #2
ایجاد شده 22 ژانویه 2026 11:46:02 توسط ... .
به روزرسانی شده 22 ژانویه 2026 12:40:28 توسط ... .